## جلسه 91-443

**شنبه - 09/01/۹9**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به این بود که اگر زن و مرد مساوی هم نماز بخوانند یا زن جلوتر از مرد نماز بخواند، آیا باید رعایت فاصله بین این دو بشود یا لازم نیست؟ ما عرض کردیم مقتضای صناعت این است که رعایت فاصله به مقدار یک وجب لازم است در جمیع حالات نماز. باید بین زن و مرد اگر مساوی هم نماز می‌‌خوانند یا زن جلوتر از مرد نماز می‌‌خواند به اندازه یک وجب فاصله بشود. و این مقتضای ظهور روایات بود. و وجهی برای قول مشهور متاخرین به این‌که این حکم، ‌حکم الزامی نیست ما نفهمیدیم.

## احتمال وجود ارتکاز متشرعی در زمان صدور روایات بر عدم لزوم فاصله، موهوم است

بله، اگر احتمال بدهیم که در زمان صدور روایات ارتکاز قطعی متشرعی بر عدم لزوم رعایت فاصله بوده، دیگر نمی‌توانیم احراز کنیم انعقاد ظهور این روایات را در لزوم رعایت فاصله چون بارها عرض کردیم که ارتکاز متشرعه بر عدم وجوب مانع از انعقاد ظهور خطاب امر در وجوب است. احتمال عقلائی ارتکاز متشرعه در زمان صدور روایات هم بازگشتش به احتمال قرینه حالیه نوعیه بر خلاف ظهور است که مانع از انعقاد ظهور می‌‌شود و با این احتمال شک در انعقاد ظهور می‌‌کنیم. و لذا نمی‌توانیم احراز کنیم ظهور روایات را در این‌که این حکم الزامی است. و لکن انصاف این است که احتمال وجود همچون ارتکاز متشرعی در زمان صدور روایات، موهوم است. مخصوصا که مشهور قدماء قائل به لزوم رعایت فاصله شدند.

بحث به این‌جا رسید که عرض کردیم صاحب عروه فرموده است: معیار در این حکم به کراهت عدم رعایت فاصله یا حرمت آن، بر نماز صحیح است. اگر زنی بیاید کنار مرد شروع کند به نماز خواندن ولی این مرد می‌‌داند که نماز این زن فی حد نفسه باطل است، این نماز باطل هیچ مشکلی برای نماز مرد ایجاد نمی‌کند.

ما اشکال کردیم، عرض کردیم همان‌طور که مرحوم آقای خوئی فرمودند و همین‌طور آقای سیستانی مطرح کردند، اطلاق روایات شامل نماز فاسد هم می‌‌شود. این‌که مفاد روایات هست که لایصلی الرجل و بحذاءه امرأة تصلی شامل جایی می‌‌شود که نماز آن زن باطل است. فوقش انصراف داشته باشد به جایی که آن زن به قصد امتثال امر نماز می‌‌خواند نه به قصد تعلیم دخترش مثلا، اما جایی که به قصد امتثال امر هست ولی نماز فاقد بعض شرائط و اجزاء است و باطل است، وجهی برای این انصراف ما نمی‌بینیم بعد از این‌که اسماء عبادات وضع شده برای اعم از صحیح و فاسد.

## مرحوم تبریزی: انصراف مانعیت به جایی است که عمل فی حد نفسه صحیح باشد و لذا در مقام باید نماز مرد و زن لولا المحاذاة صحیح باشند

و لذا این‌که مرحوم استاد در تنقیح مبانی العروة می‌‌فرمودند: انصراف مانعیت به جایی است که فی حد نفسه عمل صحیح است. مثلا خطابی که می‌‌گوید نباید زن حائض نماز بخواند، این ارشاد می‌‌کند به مانعیت حیض در نمازی که مقتضی صحت لولا الحیض دارد. نمازی است که از سایر جهات واجد شرائط صحت است، مبتلا شده به حیض در حال نماز، خطاب می‌‌گوید دع الصلاة ایام اقراءک، ارشاد می‌‌کند به مانعیت حیض. در این‌جا هم خطابی که می‌‌گوید لایصلی الرجل و بحذاءه امرأة تصلی، این انصراف دارد به جایی که نماز مقتضی صحت دارد مبتلا بشود به این مانعیت محاذات. این مطلب را مرحوم استاد در تنقیح مبانی العروة جلد 2 از کتاب الصلاة صفحه 267 بیان کردند.

## اشکال: فوقش این بیان در نماز مرد بیاید که مانعش نماز زن است، اما این انصراف در نماز زن نمی‌آید

به نظر ما این مطلب درست نیست. فوقش شما بگویید لایصلی الرجل انصراف دارد به فرضی که صلات رجل با قطع نظر از مشکل محاذات با نماز زن صحیح باشد، اما این‌که نماز آن زن که مانع از صحت نماز این مرد است، آن نماز زن هم باید واجد شرائط صحت باشد فی حد نفسه؟ این خلاف اطلاق دلیل است. لایصلی الرجل و بحذاءه امرأة تصلی صدق می‌‌کند زنی نماز می‌‌خواند با قرائت ملحونه که موجوب بطلان نمازش می‌‌شود یا با وضوء باطله یا مؤمنه نیست و ایمان را ما شرط صحت عبادت بدانیم ما وجهی برای این انصراف نمی‌بینیم.

## صاحب عروه: چهار امر رافع کراهت یا حرمت محاذات مرد و زن است

در ادامه صاحب عروه فرموده است: چهار امر است که رافع کراهت محاذات زن و مرد در نماز یا حرمت آن است:

رافع اول: وجود حائل

امر اول وجود حائل است. اگر بین زن و مرد حائلی بود، ‌نماز این‌ها در کنار هم یا حتی مقدم بشود زن بر مرد اشکالی ندارد و لو هیچ فاصله‌ای میان این‌ها نباشد.

و این حکم مورد خلاف نیست. دلیلش هم برخی از روایات است:

مثل صحیحه محمد بن مسلم که در وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 129 از امام باقر علیه السلام نقل می‌‌کند: فی المرأة تصلی عند الرجل قال اذا کان بینهما حاجز فلابأس.

و این اطلاق دارد. چه این حاجز و مانع و حائل، مانع از مشاهده و رؤیت باشد مثل پرده یا مانع از مشاهده و رؤیت نباشد مثل شیشه، یا این حائل ارتفاعش تا تمام قد این زن و مرد باشد یا نه، بخشی از بدن زن و مرد را از هم جدا بکند.

روایت دوم صحیحه علی بن جعفر است که در همان صفحه 129 از وسائل مطرح شده که از امام کاظم علیه السلام می‌‌گوید سؤال کردم عن الرجل یصلی فی مسجد حیطانه کِوی کله قبلته و جانباه و امرأته تصلی حیاله یراها و لاتراه قال لابأس. می‌‌گوید سؤال کردم از امام علیه السلام راجع به مردی که در مسجد نماز می‌‌خواند که دیوارهای آن از آجر یا چوب است هم سمت قبله آن هم دو طرف آن، زنش هم مساوی با او نماز می‌‌خواند، او زنش را می‌‌بیند ولی زنش او را نمی‌بیند، چون این دیوارها مرتفع نبود حتی دیوار مسجد النبی مدت‌های مدید ارتفاع چندانی نداشت حدود یک متر بود، مرد زنش را می‌‌بیند یراها و لاتراه حضرت فرمود لابأس اشکالی ندارد.

روایت سوم روایتی است که حمیری در قرب الإسناد از عبدالله بن الحسن نقل می‌‌کند از علی بن جعفر می‌‌گوید از امام کاظم علیه السلام سؤال کردم الرجل هل یصلح له ان یصلی فی مسجد قصیر الحائط و امرأته قائمة تصلی بحیاله و هو یراها و تراه قال ان کان بینهما حائط طویل أو قصیر فلابأس. وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 130.

البته سند این روایت ضعیف است چون مشتمل بر عبدالله بن الحسن است که توثیق ندارد.

بهرحال اطلاق صحیحه محمد بن مسلم عرض کردیم این است که ما یصدق علیه الحاجز و الحائل اگر بین زن و مرد بود، کافی است و لو هیچ فاصله‌ای میان این‌ها نباشد و این اطلاق دارد چه مانع از رؤیت باشد این حاجز یا مانع از رؤیت نباشد.

تنبیه: روایتی که می‌گوید باید حائل مانع از رؤیت باشد، معتبر نیست

صاحب عروه فتوی داده که حائل و لو مانع از رؤیت نباشد کافی است ولی تعبیری که می‌‌کند می‌‌گوید الاولی فی الحائل کونه مانعا عن المشاهدة و ان کان لایبعد کفایته مطلقا. احتمال دارد نظر ایشان به این روایتی است که در وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 130 از مستطرفات سرائر نقل می‌‌کند. در مستطرفات سرائر نقل می‌‌کند از نوادر بزنطی از مفضل بن عمر از محمد حلبی. می‌‌گوید سألته یعنی اباعبدالله السلام عن الرجل یصلی فی زاویة الحجرة و ابنته أو امرأته تصلی بحذاءه فی الزاویة الاخری قال لاینبغی ذلک الان ان یکون بینها ستر فان کان بینهما ستر اجرأءه.

ستر شامل حائلی که مانع از رؤیت نباشد نمی‌شود. شیشه مثلا ساتر نیست. و لذا مقتضای این روایت این است که ما بگوییم حائلی که مانع از رؤیت نیست کفایت نمی‌کند.

و لکن سند این روایت ضعیف است بخاطر مفضل بن عمر که به نظر ما توثیقش ثابت نیست. البته از ناحیه این‌که این روایت در مستطرفات سرائر است و صاحب سرائر به کتاب‌هایی که از آن‌ها نقل می‌‌کند سند ذکر نمی‌کند فقط راجع به کتاب محمد بن علی بن محبوب می‌‌گوید و هو بخط الشیخ عندی، به خط شیخ طوسی این کتاب نزد من است و این یعنی همان سندی که شیخ طوسی به این کتاب دارد برای آن کافی است. و لذ این هم اشکال دیگری است به سند این روایت. مخصوصا که ابن ادریس از نظر خبرویت در تشخیص کتب روایی ضعیف بوده که ما قبلا این را بررسی کردیم. البته سعی کردیم از این اشکال جواب بدهیم.

رافع دوم: فاصله ده ذراع

امر دومی که رافع حرمت یا کراهت محاذات زن و مرد در نماز است، صاحب عروه فرموده البعد عشرة اذرع بذراع الید. ده ذراع یعنی حدودا چهار متر و نیم اگر فاصله بشود بین زن و مرد این‌ها مساوی هم نماز بخوانند یا زن جلوتر نماز بخواند اشکال ندارد.

این مطلب ایشان هر چند مورد موافقت اکثر محشین قرار گرفته ولی خلاف ظاهر موثقه عمار است. چون در موثقه عمار بود: لایصلی حتی یجعل بینه و بینها اکثر من عشرة اذرع، ‌باید فاصله بیشتر از ده ذراع باشد، ظاهرش این است که اگر به اندازه ده ذراع فاصله بود کافی نیست.[[1]](#footnote-1)

مرحوم آقای حکیم فرموده ظاهر این تعابیر این است که فاصله ده ذراع یا بیشتر اگر باشد اشکال ندارد. مثل آیه شریفه یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الانثیین فان کن نساء فوق اثنتین فلهن ثلثا ما ترک و ان کانت واحدة فلها النصف. دختر اگر بیش از دو تا باشد دو سوم سهم می‌‌برد، اگر پسری در کنار او نباشد، اگر یک دختر باشد نصف ترکه را می‌‌برد. خب همه قبول دارند فان کن نساء فوق اثنتین یعنی فان کن نساء اثنتین فما فوق.

انصافا این فرمایش آقای حکیم تمام نیست. برای این‌که در آیه شریفه ما قرینه داریم بر این حمل؛ قرینه‌اش تقابل با و ان کانت واحدة فلها النصف است. اما در موثقه عمار ما همچون قرینه‌ای نداریم و لذا ظاهر موثقه عمار این است که فاصله باید بیشتر از ده ذراع باشد.

بله در روایتی که در قرب الاسناد نقل می‌‌کند به سندش از عبدالله بن الحسن از علی بن جعفر از امام کاظم علیه السلام آن‌جا دارد که الرجل یصلی و أمامه امرأة تصلی بینهما عشرة اذرع قال لابأس لیمضی فی صلاته وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 129. اگر سند این روایت تمام بود ما می‌‌گفتیم معیار ده ذراع است برای رفع کراهت در نماز زن و مرد مساوی هم یا رفع حرمت آن و لکن سند این روایت ضعیف است بخاطر این‌که عبدالله بن الحسن توثیق ندارد.

رافع سوم: تاخر زن از مرد به مقداری که مسجد زن محاذی زانوهای مرد باشد

امر سومی که صاحب عروه ذکر کرده که رافع حرمت یا کراهت محاذات زن و مرد است، این است که فرموده است: و ترتفع ایضا بتأخر المرأة مکانا بمجرد الصدق. اگر مقداری زن عقب‌تر بایستد که صدق کند تاخر از مرد دارد همین کافی است برای رفع حرمت یا کراهت محاذات زن و مرد در نماز. چون عناوینی که در روایات است که کون الرجل بحیال المرأة، کون الرجل بحذاء المرأة، کون المرأة بین یدی الرجل، کون المرأة عن یمین الرجل أو شماله صادق نیست.

به نظر ما این فرمایش تمام نیست. برای این‌که در صحیحه زراره تعیین کرده مقدار تاخر لازم را در زن. زراره می‌‌گوید سؤال کردم از امام علیه السلام عن المرأة تصلی عند الرجل فقال لاتصلی المرأة بحیال الرجل الا ان یکون قدامها و لو بصدره. وقتی شارع خودش تعیین کرده مقدار تاخر زن را از مرد در نماز، دیگر نباید به عرف رجوع کرد. و لذا آقای سیستانی در حاشیه عروه فرمودند بل لابد من تاخر المرأة بمقدار یکون الرجل مقدما علیها بصدره فی جمیع الحالات حتی حال السجود و یتحقق ذلک عادتا فیما اذا کان مسجد جبهتها محاذیا لرکبته. عادتا این مقدار تاخر که مرد به سینه‌اش جلوتر از زن قرار بگیرد به این می‌‌شود که محل سجده زن مساوی مکانی است که زانو‌های مرد روی زمین قرار می‌‌گیرد. که انصافا حاشیه متینی است.

رافع چهارم: ارتفاع یکی از مرد و زن از دیگری

امرش چهارم که رافع حرمت یا کراهت محاذات زن و مرد است، این است که صاحب عروه فرموده است: کما ان الظاهر ارتفاعها ایضا بکون احدهما فی موضع عال علی وجه لایصدق معه التقدم او المحاذاة و ان لم یبلغ عشرة اذرع. اگر سطح مکان زن و مرد اختلاف داشته باشد، زن در یک موضع عالی باشد مرد در یک موضع منخفض یا بالعکس به نحوی که صدق نکند این عناوین که در روایات بود که صلی الرجل بحیال المرأة صلت المرأة بین یدی الرجل عن یمین الرجل عن یسار الرجل مشکلی پیش نمی‌اید. که فرمایش متینی است.

## صاحب عروه:‌ اگر مرد و زن در شروع نماز اختلاف داشتند، فقط نماز لاحق مشکل دارد

مطلب دیگری که صاحب عروه در این مسأله بیان فرمودند، ‌فرمودند: کما ان الکراهة أو الحرمة مختصة بمن شرع فی الصلاة لاحقا اذا کانا مختلفین فی الشروع و مع تقارنهما تعمّهما. اگر زن و مرد هم زمان شروع بکنند در نماز، مشکل کراهت یا حرمت در هر دو هست اما اگر یکی زودتر شروع بکند مشکل کراهت یا حرمت مختص به آن شخصی است که بعدا شروع کرده و در کنار آن دیگری نماز خوانده. مثلا شما دارید نماز می‌‌خوانید، یک زنی آمد وسط نماز شما کنار شما شروع کرد نماز خواندن، نماز او مشکل دارد، ‌نماز شما مشکل پیدا نمی‌کند.

## اشکال: این، خلاف اطلاق روایات است. نماز تدریجی الوجود است و از ابتدای تکبیرة الاحرام شروع می‌شود

به نظر ما این مطلب خلاف اطلاق روایات است. این روایاتی که ما داشتیم اطلاقش هم صلات آن نفر اول را می‌‌گیرد هم صلات نفر دوم را که با تاخیر نمازش را شروع کرده:

مثلا صحیحه ادریس بن عبدالله قمی می‌‌گوید سألت اباعبدالله علیه السلام عن الرجل یصلی و بحیاله امرأة قائمة علی فراشها امام فرمود ان کانت قاعدة فلاتضرک و ان کانت تصلی فلا. مردی نماز می‌‌خواند مساوی او هم زنی است حضرت فرمود اگر آن زن نماز می‌‌خواند نمی‌شود. خب اطلاق دارد و لو آن زن وسط نماز مرد آمده شروع کرده به نماز خواندن.

یا در صحیحه زراره بود المرأة تصلی عند الرجل حضرت فرمود لاتصلی المرأة بحیال الرجل. این هم اطلاق دارد و لو این زن زودتر نمازش را شروع کرده و بعد آن مرد ملحق شده مثلا، ‌اطلاق دلیل می‌‌گوید لاتصلی المرأة بحیال الرجل. صلات یک عنوانی است که تدریجی الوجود است و از ابتدای تکبیرة الاحرام صدق می‌‌کند یصلی الرجل تصلی المرأة تا آخر نماز. این روایت هم می‌‌گوید لاتصلی المرأة بحیال الرجل و لو ادامه نمازش این مشکل را پیدا کند اطلاق این روایت شاملش می‌‌شود.

یا در صحیحه معاویة بن وهب بود الرجل و المرأة یصلیان فی بیت واحد امام فرمود ان کان بینهما قدر شبر فلابأس. که بناء بر مفهوم شرط این می‌‌شود که اذا لم یکن بینهما قدر شبر ففیه بأس مطلقا و لو یکی متاخر از دیگری نماز را شروع بکند.

و لذا همان‌طور که آقای خوئی و آقای سیستانی دارند فرقی بین نماز آنی که زودتر شروع کرده و آنی که دیرتر شروع کرده نیست. اگر زنی وسط نماز مرد بیاید کنار این مرد بایستد و نماز بخواند نماز این مرد را هم باطل می‌‌کند.

در مقابل این نظر استدلال شده به دو وجه برای این‌که فقط مشکل مختص به نماز آنی است که با تاخیر نماز را شروع کرده:

## پاسخ اول (مرحوم تبریزی): مانعیت محاذات انصراف دارد به نماز صحیح لولا المحاذاة؛ بنابراین مانعیت محاذات منصرف است از نماز لاحق

وجه اول وجهی است که مرحوم استاد در تنقیح مبانی العروة ذکر کردند. فرمودند: بعد از این‌که ما گفتیم مانعیت محاذات انصراف دارد به فرضی که نماز صحیح فی حد ذاته باشد (و لذا اگر زنی بیاید کنار یک مرد نماز بخواند نمازی که فاقد بعض شرائط صحت است او موجب بطلان نماز آن مرد نمی‌شود) طبق این بیان این زنی که وسط نماز مرد می‌آید کنار این مرد نماز می‌‌خواند مساوی و محاذی این مرد، از اول این نمازش مشکل دارد و فاسد است. ولی نماز آن مرد از ابتداء صحیح واقع شده. شبیه دو تا نماز جمعه می‌‌ماند در کمتر از یک فرسخ که گفتند اگر با هم بخوانند نماز هر دو باطل است ولی اگر یکی زودتر شروع کند دیگری بعد از او بخواند نماز دومی باطل است.

## جواب: بر فرض این انصراف درست باشد، مربوط به نمازی است که مشکلش غیر از محاذات باشد. فرض این است که نماز لاحق، لولا المحاذاة صحیح است

این بیان به نظر ما تمام نیست. برای این‌که بر فرض ما بپذیریم فرمایش ایشان را که مثلا اگر مرد نماز می‌‌خواند و زنی در کنار او نماز فاسد می‌‌خواند، ‌این نماز فاسد فی حد ذاته اشکالی برای نماز مرد ایجاد نمی‌کند که ما این را هم نپذیرفتیم ولی اگر این را بپذیریم در جایی این را می‌‌توانیم قبول کنیم که نماز زن فاقد سایر شرائط باشد. فرض در این‌جا این است که زن نمازش واجد جمیع شرائط است فقط مشکل محاذات با این مرد را دارد، درست است که نماز این زن متاخر است و از اول مبتلا به این مانع محاذات بوده ولی لولا المحاذات نماز صحیح دارد می‌‌خواند، ‌ادله از این انصراف ندارد.

و لذا این وجه تمام نیست. اما وجه دوم تمسک به صحیحه علی بن جعفر است که ان‌شاءالله فردا آن را مطرح می‌‌کنیم.

و الحمد لله رب العالمین.

1. ماتن: استاد موثقه عمار را در تحدید فاصله قبول نکردند و فرمودند فاصله باید به مقدار یک وجب باشد. ظاهرا این اشکال را جدلی بیان کردند با این توضیح:

مشهور بخاطر اختلاف روایات در تحدید فاصله قائل به کراهت شدند، لذا باید رافع کراهت را حداکثر این تحدیدها بدانند که همان فاصله مذکور در موثقه عمار است که بیشتر از ده ذراع باشد. [↑](#footnote-ref-1)